

بررسی حقوقی مسأله شبیه سازی انسان با رویکردی بر نظر امام خمینی (س)

سید محمد موسوی بجنوردی^۱
نگار علیزاده^۲

چکیده: شبیه سازی به معنای تولید یک انسان از طریق غیر جنسی است که دارای دو نوع درمانی و تولیدمثلی می باشد در شبیه سازی تولید مثلی که حاصل آن تولید یک انسان کامل است، «شبیه» دارای حقوقی همانند سایر افراد جامعه مانند هویت، نسب، ارث می باشد. و از سوی دیگر افراد جامعه نیز در قبال چنین فردی مسئولیت هایی دارند. از جمله حقوقی که برای یک شبیه به عنوان فردی از افراد جامعه مطرح است، نسب است. البته در مورد والدین فرد، اختلاف نظر زیادی وجود دارد اما آنچه مسلم است حق داشتن والد برای چنین کودکی است؛ درخصوص هویت او نیز می توان گفت منعی از جهت مواد قانونی مرتبط وجود ندارد و کسی که از هسته فعال او فرد شبیه سازی شده به وجود آمده ولی قانونی و قهری او دارای وظایف مقرر برای ولی در قانون مدنی می باشد؛ همچنین درخصوص ارث، قصاص، دیه و سایر حقوق نیز همانند سایر افراد است. اما در مورد وظایف جامعه در قبال او بایستی خاطر نشان نمود که وظیفه آنها در این امر مانند وظیفه آنها در مورد متولدان از ازدواج معمولی است و بایستی به اقامه حقوق چنین فردی اقدام نمایند و با او همانند کالای تجاری برخورد ننموده و ارزش های انسانی را در برخورد با او مد نظر قرار دهند.

۱. استاد دانشگاه و مدیر گروه های حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم).

e-mail:mosavi@ri-khomeini.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد فقه و حقوق از پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.

e-mail:alizadehnegar@yahoo.com

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۰ دریافت و در تاریخ ۱۳۸۹/۲/۸ مورد تأیید قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: شبیه، شبیه‌سازی، حقوق فردی، حقوق اجتماعی، نسب، ارث، دیه، والد، قصاص.

مقدمه

شناسایی حق برای شبیه، لزوماً به معنی به رسمیت شناختن و تأیید مطلق شبیه‌سازی نیست. بلکه به نظر می‌رسد که بدین طریق با تذکر حقوق شبیه و تکالیف اشخاصی نسبت به او، بتوان به نوعی از شبیه‌سازی غیرقانونی با اهداف غیر انسانی جلوگیری کرد. زمانی که افراد به این نکته واقف باشند که «شبیه نیز یک انسان به مفهوم جامع کلمه به شمار می‌آید و دارای تمام حقوق و تکالیف انسانی است» (موسوی بجنوردی ۱۳۸۶: ۱۵۱) در آن صورت بهتر می‌شود رابطه او را با دیگران از حیث حقوقی تحلیل کرد.

در مقابل این دیدگاه که بنابر آن فرد شبیه‌سازی شده دارای تمام حقوق و تکالیف یک انسان است، دیدگاه دیگری وجود دارد که طرفداران قائل به حرمت ثانویه شبیه‌سازی، به عنوان دلیل به آن استناد می‌کنند و آن از جهت اینکه فرد شبیه‌سازی شده نه نسبی دارد، نه پدری، نه مادری (اسلامی ۱۳۸۵: ۴۶-۴۵) از جهت حق ولایت، مسأله توارث، ازدواج، تابعیت، جامعه‌پذیری، مسأله دیه، قصاص و ... (الهی ۱۳۸۴) دارای احکام و حقوق شخصی نیست پس شبیه‌سازی جایز نیست. بعضی‌ها معتقدند:

انسانی که از راه شبیه‌سازی به وجود می‌آید، نه پدری دارد (چون از نطفه مرد نیست) و نه مادری (چون با نطفه ماده ترکیب ندارد) و نه خواهری دارد و نه برادری و نه منتسب به فامیل است، و در رحمی پرورش پیدا کرده که مادرش نیست؛ بلکه مادر جانشین است. خلاصه، فردی است فاقد نسب (اسلامی ۱۳۸۵: ۴۶-۴۵).

از سوی دیگر برخی معتقدند: نکاح تنها میان زن و مرد رخ می‌دهد، لذا آنان منبع خانواده محسوب می‌شوند و نسب مشروع به طور معمول در صورتی محقق می‌شود که پدر و مادر طبیعی کودک، زن و شوهر باشند و در این حال است که این نوع نسب مشروع برای کودکان (حاصل از این نسب) دارای آثار حقوقی است و وجود این آثار برای کودکان شبیه‌سازی شده منتفی است. لذا مسأله ولایت و حرمت و حق و دریافت نفقه و اموری از این قبیل در مورد انسان شبیه‌سازی شده جاری نیست و بنا براینکه ام (مادر) در تعریف فقهی به کسی گفته می‌شود که فرزند از

سلول جنسی او باشد و اب (پدر) به کسی گفته می‌شود که فرزند از سلول جنسی او ایجاد شود برای طفل شبیه سازی شده نه ولایت ثابت می‌شود و نه نشر حرمت.

همچنین، با توجه به اینکه انسان شبیه سازی شده صاحب سلول و صاحب رحم نیست امکان اینکه وی را صاحب توارث بدانیم نیز وجود ندارد، زیرا طبق قانون مدون ارث در اسلام و آیات قرآن کریم ۷، ۱۳، ۳۳، ۱۷۶ سوره نساء وراث متوفی به دو دسته سببی و نسبی تقسیم می‌شوند. در حالی که کودک حاصل از سلول‌های غیر جنسی جزء هیچ کدام از این دو دسته محسوب نمی‌شود.

در مسأله تابعیت نیز طبق قواعد حقوق بین المللی دو اصل برای تبعه خواندن یک شخص می‌توان تصور کرد: ۱) خاک؛ ۲) خون. در مورد خاک، ملاک را بر محل تولد فرد می‌گذارند؛ اما طبق اصل خون، تابعیت پدر به واسطه تولد به فرزند او منتقل می‌شود. حال اگر یک کشور از عامل خون تبعیت کند - با توجه به تعریفی که از پدر ذکر شده - بدون شک نمی‌توان این فرد را تبعه کشوری خاص قلمداد کرد. بنابراین، از آنجایی که هر دولتی حق دارد از تبعه خود در مقابل دولت بیگانه حمایت قضایی و سیاسی کند و انسان شبیه سازی شده تابعیت خاصی ندارد، این فرد نخواهد توانست از حق حمایت سیاسی هیچ دولتی استفاده کند (الهی ۱۳۸۴).

در این مقاله سعی بر این است که به این ادعاها و مسائل، پاسخ گفته شود و نظر فقهای اسلامی در مواردی چون «مادر کودک شبیه سازی شده»، «نسبت او»، «ارث او»، «دیه»، «قصاص» و مسائلی از این دست مطرح گردد.

قبل از ورود به بررسی مسائل حقوقی ذکر این نکته لازم است که تا زمانی که مسأله شبیه سازی انسان در جامعه با هاله‌ای از بدبینی همراه باشد، همواره مشکلات حقوقی بی‌شماری مطرح خواهد شد، اما اگر این طرز فکر در طی زمان تغییر کند، می‌توان به نتایج پژوهشی درست‌تر و منطقی‌تری از این دست امیدوار بود.

دکتر ابوالقاسم گرجی در پاسخ به این پرسش که: «آیا کلون سازی می‌تواند مشکلات حقوقی داشته باشد؟» فرموده‌اند: «با طرز تفکری که نسبت به این قضیه هست، می‌تواند مشکلاتی داشته باشد. مگر اینکه مرور زمان، این طرز تفکر را عوض کند که معمولاً هم عوض می‌کند. تابع عوض شدن طرز تفکر است» (گرجی).

الف) حقوق فردی شخص شبیه سازی شده

۱) والد یا والدین کودک شبیه سازی شده

با توجه به مراحل فرآیند شبیه سازی که در آن نیاز به یک سلول غیرجنسی (جسمی) و یک تخمک می باشد، دو فرض زیر در بحث «والد» مطرح است:

الف) صاحب سلول جسمی صاحب تخمک یک فرد (یک زن) باشد

این فرض واضح ترین صورت مفروضه بوده و مادر شبیه سازی شده، همین صاحب سلول تخمک می باشد و کودک فاقد پدر است، لیکن به مرد محرم بوده و ربیبه او محسوب می شود (موسوی بجنوردی ۱۳۸۶: ۱۵۰؛ نیز ر.ک. به: مؤمن ۱۳۸۵: ۱۱۱؛ معرفت ۱۳۸۵: ۳۰).

ب) صاحب سلول جسمی غیر از صاحب رحم باشد

این مسأله در دو قسمت بررسی می شود:

۱. صاحب سلول جسمی زن باشد: در این فرض نظرات مختلفی ابراز شده است. گروهی معتقدند که صاحب سلول مادر او محسوب می شود و صاحب رحم مادر رضاعی او به حساب می آید. چنانچه در پاسخ به اینکه به چه ملاکی می فرمایید مادر صاحب سلول است پاسخ می دهد: «به همان دلیل که نطفه از هر کس است، پدر همان است؛ ولو اینکه نامشروع باشد» (معرفت ۱۳۸۵: ۳۰).

گروهی دیگر معتقدند عنوان تولد هم به صاحب سلول و هم صاحب رحمی که کودک را پرورش داده صدق می کند. در مقابل این دو گروه عده ای نیز معتقدند که زنی که صاحب رحم است مادر شرعی کودک محسوب می شود. عبارت حضرت آیت الله خویی - قدس سره - در این زمینه چنین است:

زن یاد شده ای که نطفه در رحم او کاشته می شود، شرعاً مادر آن فرزند به شمار می آید؛ زیرا مادر، آن زنی است که بچه را به دنیا می آورد چنان که مقتضای فرموده خداوند: «کسانی که از شما نسبت به همسرانشان ظاهر می کنند، آنان هرگز مادرانشان نیستند، مادرانشان تنها کسانی هستند که آنها را به دنیا آورده اند»^۱ همین است (مؤمن ۱۳۸۵: ۹۱).

۱. «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنكُم مَّن نِّسَابُهُمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا إِلَىٰ وِلَدَتِهِمْ»: (مجادله: ۲).

دلیل ایشان این است که به دنیا آوردن فرزند، تمام معیار مادری است. در پاسخ این گروه گفته شده است که واقعیت، عدم صحت این گفته است؛ زیرا مادری نسبی از دیدگاه عقلا دارای معیاری روشن است و آن این است که نطفه از تخمک زن به دست آید و این معیار در شبیه سازی برای زن صاحب تخمک وجود دارد. این مطلب، از دیدگاه عقلا امری روشن است و در آن تردیدی راه ندارد و آیه شریفه‌ای که بدان اشاره شده دلالتی برخلاف آن ندارد و با مراجعه به تمام آیه، موضوع روشن می‌شود. خداوند در سوره مجادله فرموده است: «کسانی که از شما نسبت به همسرانشان ظاهر می‌کنند، آنان هرگز مادرشان نیستند؛ مادرانشان تنها کسانی هستند که آنها را دنیا آورده‌اند.» وقتی مرد ظاهر کننده به همسرش می‌گوید «تو [یا پشت تو] نسبت به من مانند پشت مادرم است» با این سخن او را مادر خود قرار می‌دهد و تماس آمیزشی با او را به سبب ظاهر، حرام می‌داند و خدای متعال در مقام ردّ او و امثالش فرموده است: آنها مادرشان نیستند، یعنی مادرانشان نیستند تا بر آنان حرام باشند. مادرانشان تنها کسانی هستند که آنها را دنیا آورده‌اند. این جمله صرفاً اشاره به این است که آن زنان، مادران آنها هستند و قطعاً به منزله بیان معیار مادری نیست؛ زیرا جنبه مادری زنان برای فرزندانشان همان است که فرزندانشان را به دنیا می‌آورند. به همین دلیل، خداوند از آنان تعبیر به «زنانی که آنها را به دنیا آورده‌اند» کرده است.

بر این اساس راز تعبیر به این جمله، ملاحظه وضع عادی به وجود آمدن جنبه مادری زنان است، ولی آیه شریفه قطعاً دلالتی ندارد بر اینکه تنها به دنیا آوردن، معیار صدق مادری تلقی شود، بلکه همان معیار قطعی عقلایی که بیان داشته‌ایم ملاک کامل مادری است و آیه مبارکه دلیلی برخلاف آن به شمار نمی‌آید. بدین سان حق این است که مادر نسبی نوزاد، همان زن صاحب تخمک و سلولی است که نطفه از تخمک و سلول او تحقق یافته است (مؤمن ۱۳۸۵: ۹۶).

۲. صاحب سلول جسمی مرد باشد: اگر با گرفتن سلولی از بدن مردی اقدام به شبیه سازی شده و آن سلول جایگزین هسته تخمکی شود که هسته آن تخلیه شده به نظر می‌رسد با توجه به این مطلب که «آنچه با تکثیر شدن، رشد و نمو می‌کند همان هسته نطفه است و سیتوپلاسم موجود پیرامون آن به منزله غذای آن هسته تلقی می‌شود» گفته می‌شود که نوزاد پدید آمده از تخمک لقاح یافته، همان سلول شوهر است و تخمک زن در اینجا نقشی جز تغذیه آن سلول ندارد و این امر سبب نمی‌شود که رشد کننده، همان سیتوپلاسم باشد. بدین ترتیب صاحب تخمک بدون هسته مادر نوزاد به شمار نمی‌آید و نوزاد تنها، فرزند پدر است که همان صاحب سلول جسمی است،

ولی دارای مادر نسبی نیست ... ممکن است گفته شود از آنجایی که این سلول از بدن و رحم زن تغذیه کرده و بنابراینچه گاهی از روایات برمی آید و دلیل اصلی حرمت بر اثر شیردادن را پدید آمدن خون و روئیدن گوشت نوزاد با شیر دانسته‌اند این زن مادر رضاعی کودک محسوب می‌شود. ولی به نظر می‌رسد مادر رضاعی نیز نمی‌باشد، زیرا صرف روئیدن گوشت نوزاد از بدن زن شیرده موجب به وجود آمدن حرمت نمی‌شود بلکه شارع، افزون بر شرایط یاد شده، شرایط تبعیدی دیگری را نیز برای به وجود آمدن حرمت، معتبر دانسته که در شیر مورد استفاده نوزاد وجود دارد و نمی‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و آن را به هر چیزی که سبب روئیدن گوشت و خون نوزاد به وسیله بدن دیگری می‌شود، تعمیم داد. به همین دلیل حق این است که این زن مادر رضاعی او نیز به شمار نمی‌آید (مؤمن ۱۳۸۵: ۱۱۱ - ۱۱۰) اما واقعیت این است که:

اگر تخمک را از زن گرفته، ماده ژنتیک آن را تخلیه کنند و ماده ژنتیک

مرد را درون آن جاگذاری کنند و از سلول حاصله انسانی پدید آید این

هیچ اشکالی ندارد. به هر حال، زن و مرد در مقتضیات آفرینش او دخالت

داشته و پدر و مادر او محسوب می‌شوند (موسوی بجنوردی ۱۳۸۶: ۱۴۹).

۳. صاحب سلول جسمی غیر از صاحب تخمک باشد: از مطالبی که در مباحث پیش گذشت مشخص می‌شود که فرد شبیه‌سازی شده کودک زن صاحب سلول تلقی شده و زن صاحب تخمکی که هسته تخمکش تخلیه شده نه مادر نسبی این کودک است، نه مادر رضاعی او.

۲) نسبت فرد شبیه‌سازی شده با صاحب سلول

طرح این مسأله از این جهت حائز اهمیت است که آیا شبیه و اصل از لحاظ حقوقی، شخصیت و هویت یکسان دارند یا خیر؟ به طور طبیعی، نسبت فرد حاصل مقاربت پدر و مادر و لقاح سلول‌های جنسی آنها با یکدیگر است. در این زمینه می‌توان به آیه ۵۴ سوره فرقان استناد کرد. اما شبیه‌سازی انسان مشکلاتی در تعیین نسب به وجود می‌آورد. به این صورت که مشخص نیست فرد کلون شده با صاحب سلول اولیه خود چه نسبتی دارد؟ در این مسأله نیز نظریاتی مطرح شده است که به هر یک پاسخ داده می‌شود:

الف) فرد شبیه‌سازی شده دارای نسب نیست.

عده‌ای معتقدند که چون عناوین «الاب»، «الاخ» و «الاخت» در مورد چنین ولدی صادق نیست پس هیچ یک از عناوین نسبی بر او صادق نیست. ولی عنوان «الام» در اینجا شبیه مادر رضاعی است که او را پرورش داده و نطفه‌ای در کار نیست و گفته می‌شود که با این مادر ازدواج نکند چون مادر رضاعی فرد محسوب می‌شود. زیرا گوشت و پوست او از آن زن پرورش یافته است: «بنابراین احکام جاری نمی‌شود جز نسبت به مادر احتیاطاً». این گروه معتقدند فرد شبیه‌سازی شده ملحق به کسی نیست و برای او نسبی قائل نیستند و نتیجه می‌گیرند «جز مادر احتیاطاً» محرمی ندارد و بیان می‌کنند که راهی برای اثبات نسب فرد مذکور به صاحب سلول اولیه وجود ندارد؛ و در همه احکام نسب به صاحب سلول اولیه، اصل بر احتیاط است (موسوی بجنوردی ۱۳۸۶: ۱۴۹؛ رحیمی ۱۳۸۳: ۵۲). برخی (برای مثال محمد رأفت عثمان) حتی تا این اندازه نیز برای فرد نسب قائل نیستند و معتقدند که: فرد شبیه‌سازی شده حرامزاده‌ای بی‌گناه محسوب می‌گردد و به هیچ کس ملحق نمی‌شود (رحیمی ۱۳۸۳: ۵۲).

ب) فرد شبیه‌سازی شده، خود صاحب سلول است.

این فرضیه بدون تردید مردود است، زیرا بعد از آنکه فرد شبیه‌سازی شده دارای روح دیگری غیر از روح شخص صاحب سلول است، قطعاً خود فرد صاحب سلول نخواهد بود و بدون تردید شخص دیگری است.

ج) فرد شبیه، همزاد (نسبت برادری یا خواهری) صاحب سلول است.

از آنجایی که شبیه با صاحب سلول در یک رحم قرار نداشته که زن با وارد شدن اسپرم، یا تلقیح آن در رحم، بدان باردار شود، پس همزاد - برادر یا خواهر - او نیز به شمار نمی‌آید تا بین آن شخص و فرد شبیه‌سازی شده مثلاً نسبت برادری یا خواهری برقرار گردد (مؤمن ۱۳۸۵: ۱۳۰).

د) فرد شبیه‌سازی شده دو قلوبی با تأخیر از اصل خویش است.

ه) فرد شبیه‌سازی شده کودک صاحب سلول است.

طبق این فرض نوزاد شبیه‌سازی شده، فرزند شخص صاحب سلول خواهد بود. اگر این شخص مرد باشد، پدر نوزاد و اگر زن باشد مادر او محسوب می‌شود و بنابراین اگر صاحب سلول مرد است،

کودک تنها دارای پدر است یا اگر زن است، تنها دارای مادر است و اشکال شرعی در رخ دادن این موضوع وجود ندارد. بنابراین کودک از جمله فرزندان شخص صاحب سلول تلقی می‌شود و میان او و سایر فرزندان صاحب سلول، نسبت برادری یا خواهری برقرار است (مؤمن ۱۳۸۵: ۱۱۲).

این فرض به نظر درست‌تر از فروض دیگر است. زیرا صاحب سلول با دادن سلول خود و قرار دادن آن به جای تخمک بی‌هسته سبب بارور شدن این تخمک می‌گردد و این سلول جزئی از بدن او به شمار می‌آید. بر این اساس، این سلول حکم اسپرم را دارد که موجب باروری تخمک شده است. حتی می‌توان گفت که سلول در به وجود آمدن فرد شبیه‌سازی شده تأثیر بیشتری داشته است؛ زیرا این سلول تمام ماده‌ای بوده که رشد کرده و به صورت جنین کامل درآمده و سپس به نوزاد تبدیل شده است. به این دلیل، فرد صاحب سلول در صورتی که مرد باشد پدر کودک به شمار می‌آید و کودک - پسر یا دختر - فرزند او تلقی می‌شود و از مادر برخوردار نیست و اگر زن باشد مادر کودک به شمار آمده و کودک از پدر برخوردار نیست.

بعضی‌ها نیز در پاسخ به این پرسش که آیا فرد شبیه‌سازی شده فرزند صاحب سلول است یا برادر دو قلوی او، می‌فرماید: «فرد پدید آمده فرزند صاحب سلول به حساب می‌آید و صاحب سلول مادر اوست و صاحب رحم (در فرضی که صاحب رحم و صاحب سلول یکی نباشد) مادر رضاعی او محسوب است» (جناتی ۱۳۸۵: ۲۱).

۳) هویت کودک شبیه‌سازی شده

ثبت ولادت شبیه با لحاظ ملاک تبصره ۱۶ و ماده ۱۷ قانون ثبت احوال ۱۳۵۵ و رأی شماره ۷۶/۴/۳/۶۱۷ دیوان عالی کشور که در مقام وحدت رویه قضایی صادر شده، اجباری است و کسی که شبیه از هسته فعال او پدید آمده، ولی قانونی و قهری او و دارای وظایف مقرر برای ولی در قانون مدنی می‌باشد (السان ۱۳۸۳: ۱۵).

۴) ارث کودک شبیه‌سازی شده

در مورد این مسأله که کودک شبیه‌سازی شده، آیا از والد خود ارث می‌برد یا خیر، برخی معتقدند: از آنجایی که انسان شبیه‌سازی شده به صورت طبیعی تولد نیافته، امکان اینکه وی را صاحب توارث بدانیم وجود ندارد و طبق قوانین مدون ارث در اسلام، وراثت متوفا به دو دسته

سببی و نسبی تقسیم می‌شوند. در حالی که کودک حاصل از سلول‌های غیرجنسی جزو هیچ کدام از این دو دسته محسوب نمی‌شود^۱ (الهی ۱۳۸۴). اما این گفته تا چه حد صحیح می‌باشد؟ در زیر به بررسی تحلیلی مسأله می‌پردازیم:

گروهی در پاسخ به این پرسش که: آیا حکم ارث طبق موازینی که دارد، بین فرد پدید آمده از طریق شبیه‌سازی و بین صاحب سلول جاری است یا خیر؟ فرموده‌اند: جاری است. بین کسی که او از سلول زن به وجود آمده و زن، توارث به لحاظ مادر و فرزندی است و بین آن که او از سلول مرد به وجود آمده و مرد، توارث پدر و فرزندی است (جناتی ۱۳۸۵: ۲۲).

بعضی در پاسخ به این سؤال فرموده‌اند: چنین بچه‌ای مثل کسی است که در پرورشگاه‌ها رشد کرده و پدرش معلوم نیست و فقط از مادر ارث می‌برد. [البته این در فرضی است که مادر صاحب سلول غیرجنسی باشد].

طبق آنچه در مسأله والد کودک شبیه‌سازی شده ذکر گردید، این کودک از جمله فرزندان شخص صاحب سلول تلقی می‌شود و میان او و سایر فرزندان صاحب سلول، نسبت برادری یا خواهری برقرار خواهد بود. این کودک از ناحیه پدر یا مادر، برادر یا خواهر آنان شمرده می‌شود و میان او و پدر یا مادر یا برادرانش با رعایت قوانین ارث اسلامی، ارث بردن از یکدیگر مطرح است (مؤمن ۱۳۸۵: ۱۱۲). اگر گفته شود: «ادله ارث به نزدیکان نسبی تولد یافتگان به ازدواج طبیعی، انصراف دارد و اینگونه افراد را شامل نمی‌شود» پاسخ داده می‌شود که: چنین انصرافی کاملاً مردود است، بلکه آنچه در عرف از این ادله استفاده می‌شود، این است که جنبه پدری و مادری، موجب ارث بردن از یکدیگر می‌شود؛ هر چند مصداق عرفی پدر و مادری، فرزندان هستند که به زاد و ولد معمولی طبیعی به وجود آمده باشند، و در موضوع ادله محارم نسبی نیز در نگاه کردن و ازدواج، همین گونه است. بدین سان، این احکام در مورد کودکانی که به شیوه‌های غیرعادی نیز به وجود می‌آیند، جاری است.

پرسش دیگری که مطرح است این است که: اگر سلولی از بدن شوهر گرفته شود و در تخمک همسرش که هسته آن تخلیه شده قرار گیرد و روی آن کارهایی انجام پذیرد به قصد اینکه نسخه دومی کاملاً شبیه اصل شوهر، پدید آید؛ ولی این سلول لقاح یافته در انتظار وقت مناسبی برای

۱. البته این سخن در بین علما و حقوقدانان قائلی ندارد. اما از جهت اینکه بررسی احتمال شقوق مختلف منافاتی با اصل وجود یا عدم وجود مسأله ندارد به ذکر این شق نیز در حد جزئی پرداخته شد.

نهادنش در رحم زن، در انجماد بسیار بالا نگهداری شود و سپس شوهر از دنیا برود، در فرض جایز بودن قرار دادن آن در رحم همسر آیا این فرزند از پدرش ارث می‌برد؟ برخی از علما در پاسخ به این پرسش بر این عقیده‌اند که کودک ارث را از مادر می‌برد و اما ارث بردن او از صاحب سلول جای تأمل است. برخی با این جمله نظر خود را بر این مبنا بیان کرده‌اند که: «در این فرض ارث بردن چنین نوزادی محل اشکال است» (زنجانی ۱۳۸۵: ۳۵). امکان دارد گفته شود مقتضای قواعد این است که جز کسی که از مصادیق عنوان‌های نسبی‌ای که به هنگام مرگ مورث موجب ارث می‌گردد، محسوب نشود، از میت ارث نمی‌برد و ادله ظاهر روایات، تنها بر ارث خصوص کسی دلالت دارد که به هنگام مرگ مورث در رحم زن است و شامل موضوع مورد بحث ما - که فرض بر این است که سلول لقاح یافته به هنگام مرگ پدر از همه رحم‌ها جدا گشته - نخواهد شد و روایات خاص دلالت بر ارث وی ندارد و از آنجایی که مقتضای قواعد، چنین چیزی نیست. بنابراین لزوماً قائل به ارث این نوزاد از پدرش نخواهیم بود.

اما بیان مطلب این است که آیات مربوط به ارث، ارث بردن فرزندان را از پدر و مادر با این فرموده خدای متعال، اعلان داشته است که: «خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می‌کند» (نساء: ۱۱)، و در مورد ارث بردن پدر و مادر از فرزندانشان فرموده: «اگر میت فرزندی داشته باشد، پدر و مادر هر کدام یک ششم میراث را می‌برند» (نساء: ۱۱).

روشن است کسی فرزند به شمار می‌آید که از مادر متولد و پا به دنیا می‌نهد. صدر آیه مبارکه بر بیش از ارث کسی که مادرش او را به دنیا آورده، دلالت نمی‌کند و شامل کسی که مادرش به آن باردار است و هنوز متولد نشده، نمی‌گردد. بخش دوم آیه شریفه دلالت دارد که پدر و مادر، از فرزندانشان یک سوم ارث می‌برند، در صورتی که میت فرزند نداشته باشد. پس اقتضا دارد اگر همسرش برای او فرزندی به دنیا نیاورد، جز پدر و مادر، کسی از او ارث نمی‌برد. بنابراین فرزندی که مادر بدان باردار است، از پدر ارث نخواهد برد؛ چنان که در ارث بردن پدر و مادر میت، شرط است که میت به هنگام مرگ دارای فرزند نباشد و فرزند بر کسی جز نوزادی که از شکم مادرش خارج شده و او را به دنیا آورده، انطباق ندارد. همچنین آیات شریفه، وراثت هر یک از برادر و خواهر را از یکدیگر در سوره مبارکه نساء با این فرموده‌اش اعلان داشته است که: «و اگر میت مردی باشد، کلاله (خواهر یا برادر) از او ارث می‌برد یا زنی که برادر و خواهری دارد، سهم هر کدام یک ششم خواهد بود» (نساء: ۱۲). در پایان این سوره نیز می‌فرماید: «اگر مردی از دنیا برود و

فرزند نداشته باشد ولی دارای خواهر باشد، نصف اموالی را که میت به جای نهاده، از آن خواهر است و اگر خواهری از دنیا برود و فرزندی نداشته باشد و وارث او یک برادر باشد، او همه اموال را از خواهرش به ارث می‌برد» (نساء: ۱۷۶).

بدین ترتیب، این دو آیه به بیان ارث بردن از برادر یا خواهر میت - اگر خواهر و برادر داشته باشد - پرداخته‌اند و مشخص است تا زمانی که از مادر، فرزندی متولد نشود که برای میت برادر یا خواهر شمرده شود، صدق نمی‌کند وی دارای خواهر یا برادر است و شامل فرزندی که در شکم مادر است و هنوز تولد نیافته، نخواهد شد. دو آیه شریفه تنها دلالت بر ارث کسی دارند که از مادر متولد شده و به هنگام مرگ میت، خواهر یا برادر او شمرده شود و بر ارث فرزندی که مادر بدان باردار است و هنوز متولد نشده، دلالت ندارد.

آیات مربوط به ارث، افزون بر آنچه یادآور شدیم، به بیان ارث پدر و مادر از فرزندانشان و ارث هر کدام از زن و شوهر از یکدیگر پرداخته‌اند و روشن است، جز فرزندی که از مادر متولد شده باشد، انطباق هیچ یک از این عناوین برای او قابل تصور نیست. آنچه یادآوری شد، همه عناوینی بود که در قرآن کریم برای وارث بیان شده است و هیچ یک از آنها غیر فرد تولد یافته را شامل نمی‌شود. بدین ترتیب، این آیات دلالت ندارد کودکی که در شکم مادرش وجود دارد، ارث می‌برد، خواه آن کودک، فرزند میت محسوب شود یا برادر و یا خواهر وی به شمار آید. چنان که خداوند فرموده: «و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خداوند مقرر داشته، سزاوارترند» (احزاب: ۶). این آیه تنها بر اولویت خویشاوندان و پیشی داشتن آنان در سزاوار بودن به ارث از بیگانگان، دلالت دارد و اصلاً در صدد بیان معیار ارث نیست که فرزند از مادر متولد شده است، یا هنوز مادر بدان باردار است. بنابراین در آیات شریفه فوق، بر اینکه کودک به دنیا آمده، وارث است، دلالتی وجود ندارد.

گستره مفهوم روایاتی که در مورد این عناوین یا دیگر عناوین نسبی وارد شده، بیشتر و فراتر از این آیات نیست. ما این موضوع را یادآور شدیم چون مقتضای خود قواعد این است و جز کسی که به هنگام مرگ مورث، مصداق خارجی آن عناوین شمرده نشود، از مورث خود، ارث نخواهد برد و در این روایات بر ارث بردن کودک به دنیا نیامده، اصلاً دلالتی وجود ندارد؛ ولی در بیشتر روایات خاصی که در مورد ارث بردن حمل، وارد شده مانند صحیحه ربیعی از امام صادق^(ع)، آمده است: «نوزاد هر گاه تکان بخورد [حیات داشته باشد]، ارث می‌برد؛ زیرا [اگر صدا ندهد] ممکن

است لال باشد» و در برخی از آنها مانند صحیحۃ دیگری از ربعی وارد شده که گفت: از امام صادق^(ع) شنیدم در مورد سقط فرمود: «هرگاه نوزاد از شکم مادر ساقط گشت و حرکت بارزی نمود، ارث می‌برد و از او ارث می‌برند؛ زیرا ممکن است لال باشد (و صدا ندهد)». در معتبر ابوبصیر از امام صادق^(ع) آمده است که فرمود: «پدرم به من فرمود: هرگاه نوزاد حرکت مشخصی نمود، ارث می‌برد و از او ارث می‌برند؛ زیرا ممکن است او لال باشد (و از او صدا ظاهر نشود)».

بدین ترتیب، موضوع ارث در این روایات، نوزاد یا فرزند سقط شده و یا کودک به دنیا نیامده است. با توجه به آنچه در آن زمان رایج بوده، هر یک از عناوین یاد شده در مواردی بوده است که زن به شیوه ازدواج معمولی باردار می‌شده و قطعاً به هنگام مرگ مورث باردار بوده است. بنابراین موضوع سخن ما در این پرسش، شامل موردی نمی‌شود که مادر، باردار به کودک نباشد؛ بلکه شامل این می‌شود که زن پس از مرگ شوهر باردار شود. بدین سان، احادیث مربوط به ارث کودک به دنیا نیامده، شامل موضوع سخن ما نمی‌شود و ناگزیر باید به مقتضای قواعد رجوع کنیم و شما به خوبی پی بردید که قواعد، بر ارث بردن کودک متولد نشده، بلکه حتی بر وراثت فرزندی که از مادرش متولد می‌شود، دلالت ندارند.

ارث در قانون مدنی ایران

بدون شک همانند کودکانی که از طریق طبیعی متولد می‌شوند، رابطه وراثت بین کودک شبیه‌سازی شده و مادر (یا در صورتی که سلول جسمی از پدر باشد، بین کودک و پدر) برقرار می‌شود (جمعی از نویسندگان ۱۳۸۰: ۱۴۱۳).

طبق ماده ۸۷۵ قانون مدنی «حمل در صورتی که زنده متولد شود، ارث می‌برد» (منصور ۱۳۸۵: ۱۴۶) و طبق ماده ۸۷۸ قانون مدنی: «در صورتی که حمل، مانع ارث اشخاص موجود باشد، ترکه تا تولد طفل تقسیم نمی‌شود. ولی اگر حمل مانع ارث ایشان نباشد، لازم است به میزان سهم دو پسر از ترکه، برای حمل موضوع شود تا وضعیت آن بعداً روشن گردد» (منصور ۱۳۸۵: ۱۴۶).

با توجه به دو ماده مذکور، دو مسأله قابل طرح است: نخست اینکه، آیا کودک همانندسازی شده در صورتی که زنده متولد شود می‌تواند از مرد و زن صاحب نطفه ارث ببرد؟ با توجه به آنچه سابقاً گفتیم پاسخ این مسأله روشن است، زیرا آنچه موضوع اصلی این حکم است، همان انسان بالقوه است، اگرچه از طریق غیرطبیعی تولد یابد. دوم اینکه، با فرض مثبت بودن پاسخ، آیا لازم

است به استناد ماده ۸۷۸ قانون مدنی به میزان سهم دو پسر کنار گذارده شود یا خیر؟ به این سؤال می توان چنین پاسخ داد که هر گاه مانند حالت طبیعی تولد، تشکیل بیش از یک نوزاد در شیهه سازی امکان داشته باشد مفاد ماده ۸۷۸ قانون مدنی قابل اجراست؛ ولی اگر پیدایش بیش از یک انسان، ممکن نباشد کنار گذاردن بیش از سهم یک پسر لازم نخواهد بود؛ زیرا در این صورت وضعیت ارث بالقوه، معلوم شده است (جمعی از نویسندگان ۱۳۸۰: ۱۴۴۰). لازم است ذکر گردد که در صورت گرفتن سلول جسمی از زن به دلیل اینکه کودک شیهه سازی شده دختر خواهد بود، کنار گذاردن سهم یک دختر از ارث بعید به نظر نمی رسد.

۵) وصیت

حکم ماده ۸۵۱ قانون مدنی که به موجب آن وصیت برای حمل صحیح دانسته شده است، در مورد کودک شیهه سازی شده نیز جریان خواهد داشت. منتها تملک طفل نسبت به موصی^۱ به منوط به این است که کودک زنده متولد شود. ماده ۸۵۲ قانون مدنی مقرر داشته است: «اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود، موصی^۲ به به ورثه می رسد مگر اینکه جرم مانع ارث باشد» (منصور ۱۳۸۵: ۱۴۶).

در این ماده فرض شده است که اگر جرم سبب سقوط حمل و تلف او نمی شد حمل زنده به دنیا می آمد و مالک موصی^۳ به می گردید. این فرض مبتنی بر حالت عادی و معمولی است که در آن، اگر حادثه ای اتفاق نیفتد، معمولاً حمل با گذراندن مراحل طبیعی خود، زنده متولد می شود. بدین جهت قانون او را مانند طفلی می داند که زنده متولد شده و شرط تملک موصی^۴ به را داشته است. در این صورت مثل یک انسان کامل با تلف شدن او موصی^۵ به به وارث او منتقل می شود؛ مگر اینکه جرم مانع ارث باشد، مانند آنکه وارث جنین اقدام به ارتکاب جرم منتهی به سقط کرده باشد. در مورد جنین شیهه سازی شده نیز به نظر می رسد این ماده قانونی صادق باشد. زیرا سقط فرد شیهه سازی شده نیز نزد اکثر علما حرام شمرده شده است. آیت الله مؤمن در این باره چنین می فرماید:

انداختن حمل، بی آنکه تفاوتی میان اقسام انعقاد نطفه باشد، کاری حرام است؛ زیرا ادله حرمت سقط شامل همه این اقسام [کودک آزمایشگاهی - کودک شیهه سازی شده - کودک متولد شده از روش طبیعی] می شود.

آیت الله آقای فاضل می‌فرمایند: «اگر نطفه در رحم استقرار یابد، ولو یک روزه باشد، از بین بردن آن حرام است» (جمعی از اندیشوران حوزه ۱۳۸۵: ۱۰) البته در مورد شبیه‌سازی درمانی - که مورد بحث ما نیست - قضیه فرق می‌کند و اختلاف نظر وجود دارد که آیا از بین بردن جنین شبیه‌سازی شده قبل از قرار گرفتن در رحم حرمت دارد یا خیر^۱.

۶) محرمیت

فرد شبیه‌سازی شده یا از مادر یا از پدر [به تنهایی] برخوردار است که در این صورت یا دارای مادر نسبی است و از پدر برخوردار نیست و یا دارای پدر نسبی است و از وجود مادر بی‌بهره است. براین اساس، فرزندان مادر یا فرزندان پدر، برادران کودک تلقی می‌شوند. به همین ترتیب در فرض نخست (از ناحیه مادر) دارای دایی و خاله و در فرض دوم (از ناحیه پدر) عمو و عمه خواهد بود و در مورد سایر نزدیکان نسبی نیز به تناسب مورد، همین گونه است و در هر موردی حکم آن در خصوص جواز و حرمت نگاه کردن، جواز و حرمت ازدواج و دیگر موارد، بر آن مترتب خواهد شد.

الف) محرمیت نسبت به فرزندان صاحب سلول

در مورد حکم ازدواج فرد شبیه‌سازی شده با فرزندان صاحب سلول آیت‌الله عزالدین زنجانی فرموده‌اند: «چون با صدق عنوان تولد انتساب به شخص روشن می‌شود، قهراً سایر عناوین هم به تبع آن صدق می‌کند» (زنجانی ۱۳۸۵: ۳۵).

بعضی در این مورد فرموده‌اند: «[ازدواج] جایز نیست. چون برادران وی [در فرض اینکه فرزندان صاحب سلول پسر باشند] محسوب می‌شوند» (جناتی ۱۳۸۵: ۲۱).

ب) محرمیت نسبت به والد

در مورد اینکه مادر فرد شبیه‌سازی شده کیست؟ توضیح داده شد و اختلاف نظرها بیان گردید. بر این مبنا در فرضی که مادر (صاحب رحم) را مادر رضاعی بدانیم و حرمت ازدواج با او و موارد دیگر نیز به همین ترتیب باید رعایت گردد. از نظر نگارنده:

۱. جهت اطلاع بیشتر ر.ک. به: (جمعی از اندیشوران حوزه ۱۳۸۵: ۱۷-۱۴؛ رحیمی ۱۳۸۳: ۵۹).

اگر ماده ژنتیک زن را درون تخمک جاگذاری کنند و مرد در ایجاد بچه هیچ دخالتی نداشته باشد، آن بچه فرزند زن محسوب می‌شود و به مرد محرم است و ربیبه او محسوب می‌شود. در قرآن آمده که بچه‌های زن‌هایی که با آنها هم بستر می‌شوید بر شما حرام است. اگر کلون‌سازی از مرد صورت گیرد و زن در تولید فرزند دخالت نداشته باشد، بچه حاصله فرزند مرد محسوب می‌شود و بر زن محرم است (موسوی بجنوردی ۱۳۸۶: ۱۴۹-۱۵۰).

۷) کفر و اسلام

کودک شبیه‌سازی شده، فرزند مرد صاحب سلول (یا زن صاحب سلول) محسوب می‌شود و در اسلام و کفر تابع اوست؛ یعنی کودک پدید آمده از سلول مرد مسلمان، در اسلام، به حکم او و کودک پدید آمده از سلول کافر، در کفر تابع صاحب سلول است (مؤمن ۱۳۸۵: ۱۳۱). باید توجه داشت که اسلام او همانند اسلام دیگران مورد پذیرش بوده و فرقی بین او و دیگر مسلمانان وجود ندارد. پس همان گونه که هر مسلمانی باید مورد احترام بوده و از حقوقش در همه ابعاد زندگی فردی، عبادی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشد، او نیز باید از همه این حقوق برخوردار باشد.

۸) قصاص

در پاسخ به این پرسش که آیا قاتل فرد شبیه‌سازی شده، همانند قاتل مسلمان باید قصاص شود گفته شده است که بله باید قصاص شود، با توجه به اینکه نفس چنین فردی نیز همانند نفس هر انسانی محترم است.

۹) دیه

در مواردی که برای مسلمان دیه ثابت است برای فرد شبیه‌سازی شده مسلمان نیز دیه ثابت می‌باشد. البته در مورد دیه جنین شبیه‌سازی شده در شبیه‌سازی درمانی اختلاف نظر وجود دارد که شبیه‌سازی درمانی از حوزه بحث ما خارج است.

ب) حقوق اجتماعی

۱) مسئولیت افراد و جامعه نسبت به شبیه

اگر منظور از عبارت «مسئولیت افراد و جوامع انسانی در برابر عملی شدن شبیه‌سازی» این است که هر گاه با شبیه‌سازی به نسخه دوم از انسان دست یافتیم که در فرآیند شبیه‌سازی، مسائل شرعی رعایت نشده باشد، وظیفه در برابر آنها چیست؟ پر واضح است که انجام کاری حرام در عمل شبیه‌سازی، موجب تفاوت در احکام فرد به وجود آمده از این روش نخواهد بود؛ زیرا این فرد به هر حال یک انسان است که به شیوه شبیه‌سازی بدان دست یافته شده است و انجام دادن انواع کارهای حرام قابل تصور، موجب نمی‌شود که شخص شبیه‌سازی شده، فرزند زنا تلقی گردد. پس قطعاً آثار فرزندان تولد یافته با ازدواج شرعی بر آنها بار می‌شود و این کودک، ملحق به پدر و مادر خویش است و فرزند آنان محسوب می‌شود و احکام فرزند بر او ترتب می‌یابد.

آری، شخص اقدام‌کننده بر آن کار حرام، گناهی را مرتکب شده است که چه بسا برایش موجب تعزیر یا حد یا دیگر احکام گردد. اما اگر مقصود از عبارت این باشد که کدام یک از احکام، بر مصداق شبیه‌سازی، بار می‌شود؟ آیا او فرزند این زن و مرد یا آن زن و مرد است و او با برادران و خواهران و... چه نسبتی دارد؟ آیا او را فرزند، برادر یا فرزند خواهر یا فرزند برادر می‌خوانند؟ همچنین نسبت او با سایر افراد چگونه است؟ وظیفه افراد جوامع در قبال این فرد شبیه‌سازی شده چیست؟

مشخص است که وظیفه آنها در این امور مانند وظیفه آنها در مورد متولدان به ازدواج معمولی است. از این رو، بر آنان لازم است درباره کسی که فرد شبیه‌سازی شده از اسپرم یا تخمک او تحقق یافته، به جستجو و تحقیق بپردازند تا برای آن فرد، پدر یا مادر به شمار آید یا در مورد کسی که سلول بدنش گرفته شده و جایگزین هسته تخمک زن گشته، پرس و جو شود تا پدر وی به شمار آید و در برخی موارد به حسب تفاوتشان، مادر آن شخص محسوب گردد.

خلاصه، همان‌گونه که در مورد این امور در تولید مثل به شیوه ازدواج معمولی، با راه‌هایی مشخص و گوناگون، تحقیق و بررسی صورت می‌گیرد و افراد و جوامع باید آن راه‌ها را مشخص نمایند تا واقعیت موضوع در مورد هر فرزند تولد یافته از ازدواج، برایشان روشن گردد. در اینجا نیز همین‌گونه بر آنان لازم است تا ویژگی شیوه‌ای را که در به وجود آمدن فردی شبیه‌سازی

شده، از آن بهره گرفته شده، دریابند یا این نسبت‌های گوناگون، متفرع بر او و بر ایشان روشن گردد.

۲) منع تجارت شبیهه

عده‌ای شبیه‌سازی را به این صورت قبول دارند که شبیهه یا اعضای بدن او را، همانند کالاهای تجاری، مورد معامله قرار دهند. این وضعیت از آنرو اسفبار است که بازگشت به دوران «برده‌داری» و «تبعیض جسمی میان انسانها» را به خاطر می‌آورد (السان ۱۳۸۳: ۱۳-۱۲). شاید شبیه‌سازی موضوعی باشد که ماحصل آن، این باشد که فرزندان جدید ما به صورت کالاهایی که جزء جزء آنها از پیش طراحی شده، تولید گردیده و در بازارهای جدید عرضه می‌شوند (ریفکین ۱۳۸۳: ۱۳۲).

نگاهی به مبانی فقهی حاکی از این نظر است که از آنجا که فرزند شخص، ملک او نیست، جایز نیست شخص از طریق فروش یا بخشش، آن را ملک دیگری گرداند (چون فرزند انسان آزاد مثل خود او آزاد است). بنابراین زمینه‌ای برای اینکه آن را ملک دیگری بگرداند، وجود ندارد.

۳) حقوق بشر بین‌الملل و شبیه‌سازی انسان^۱

الف) اسناد الزام‌آور

۱. اسناد الزام‌آور منطقه‌ای: پروتکل اختیاری کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و شأن انسان در خصوص کاربرد زیست‌شناسی و پزشکی، راجع به منع شبیه‌سازی انسان، مورخ ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ شورای اروپا در ماده نخست خود مقرر می‌دارد: «هرگونه مداخله که هدف آن ایجاد انسانی باشد که از لحاظ ژنتیکی با انسان دیگر، اعم از زنده یا مرده، همسان باشد ممنوع است.» در این ماده هیچ‌گونه اشاره‌ای به هدف یا روش‌هایی که شبیه‌سازی برای آنها یا از طریق آنها صورت می‌گیرد نشده است. تنها ملاک مورد توجه وجود مجموعه ژن‌های یکسان در هسته سلولی است. بند ۶ پروتکل نیز می‌گوید: «ابزار شدن انسان‌ها از طریق خلق انسان‌هایی که از لحاظ ژنتیکی همگن

۱. حقوق بشر بین‌الملل، امروزه به عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل مطرح بوده و کتاب‌های حقوق بین‌الملل، غالباً فصلی را به بحث در حقوق بشر اختصاص می‌دهند. بنابراین منابع حقوق بشر بین‌الملل بایستی منابع حقوق بین‌المللی تلقی شوند (تیموری ۱۳۸۳: ۲۱).

هستند مغایر با شأن بشر و متضمن سوءاستفاده از بیولوژی و پزشکی است.» گزارش توضیحی این پروتکل به صراحت بیان می‌دارد که موضع ویژه‌ای درباره شبیه‌سازی سلول‌ها و بافت‌ها برای مقاصد تحقیقی - درمانی اتخاذ نشده و نباید چنین تلقی گردد که پروتکل یاد شده مانع چنین فعالیت‌هایی است (تیموری ۱۳۸۳: ۲۲-۲۱).

از ماده ۴ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، به گونه‌ای در به رسمیت شناختن حق حیات برای جنین استفاده می‌شود: چه اینکه این ماده تصریح می‌کند که حق حیات از لحظه آبستنی به طور عموم بایستی مورد حمایت قانون قرار گیرد. لازمه منطقی چنین استنباطی، منع شبیه‌سازی آزمایشی انسان در فرضی است که جنین شبیه‌سازی شده انسان تلقی گردد؛ چرا که در شبیه‌سازی آزمایشی جنین شبیه‌سازی شده از بین می‌رود. اما این کنوانسیون اشاره‌ای به مسائل مرتبط با شبیه‌سازی غیر مولد از جمله شبیه‌سازی درمانی نکرده است (تیموری ۱۳۸۳: ۲۲-۲۱).

۲. اسناد الزام‌آور بین‌المللی: هنوز کنوانسیون جهانی راجع به شبیه‌سازی انسان وجود ندارد و این امر توسط سازمان ملل متحد در دست بررسی است. ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی مقرر می‌دارد که استفاده از تکنیک‌های تولید مثل با کمک‌های پزشکی به منظور تعیین جنسیت کودک مجاز نخواهد بود، مگر برای پیشگیری از امراض جدی و موروثی مبتنی بر جنسیت. ماده ۱۸ این کنوانسیون نیز ضمن آنکه تحقیق بر روی جنین‌های خارج از رحم را با لحاظ تأمین‌های ویژه‌ای برای حفاظت از جنین مجاز دانسته تولید جنین‌های انسانی برای مقاصد تحقیقاتی را ممنوع اعلام کرده است (تیموری ۱۳۸۳: ۲۳-۲۲).

(ب) عرف‌های حقوق بشری و شبیه‌سازی

در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل، عرف نقش اصلی داشته است. در مورد بحث شبیه‌سازی انسان، به ویژه به دلیل تازگی مسأله، دولت‌ها عملکرد چندانی نداشته‌اند تا بتوان از آن به عنوان عنصر مادی عرف یاد کرد. عملکرد برخی دولت‌ها در اعلام موضع نسبت به پدیده شبیه‌سازی را نیز نمی‌توان بر تشکیل عنصر مادی عرف حمل کرد چرا که این اعمال، هنوز واجد خصیصه تکرار و استمرار پذیرفته شده در روابط میان دولت‌ها نیست. البته شاید بتوان با نگاهی به رویکرد دولت‌ها به مسأله شبیه‌سازی انسان هنگام بررسی مسأله در کمیته ششم مجمع عمومی ملل متحد - که عموماً با این پدیده مخالفت کردند - چنین ادعا کرد که جامعه بین‌المللی به سوی ایجاد رویه مستمر مبتنی بر

منع شبیه‌سازی مولد انسان (و نه سایر گونه‌های شبیه‌سازی و از جمله شبیه‌سازی درمانی) پیش می‌رود. اما این رویه در حال حاضر در مرحله بیان اندیشه است. ترک فعل کشورها در مسأله شبیه‌سازی را نیز نمی‌توان پایه تشکیل عرف در این زمینه دانست؛ چرا که به دلیل پیچیدگی ابعاد مسأله، کشورها در حال حاضر به رویکرد اصلی در این زمینه دست نیافته‌اند (تیموری ۱۳۸۳: ۲۸). بنابراین در حال حاضر، هیچ گونه عرف بین‌المللی در مسأله شبیه‌سازی وجود ندارد و عرف‌های خلق الساعه (آنی) نیز تا به حال مشاهده نشده است (تیموری ۱۳۸۳: ۲۸).

ج) اصول کلی حقوقی و شبیه‌سازی انسان

اصول کلی حقوقی، به لحاظ مفهومی به اصول و قواعد کلی حقوقی اطلاق می‌شود که به صورت مشترکی مورد پذیرش تمام ملت‌ها قرار گرفته است. این اصول مشترک حقوق، در روابط بین‌الملل قابل اعمال بوده و در واقع جزء قواعد حقوق بین‌الملل هستند. در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، اصول کلی حقوقی، همانند معاهدات و عرف در زمره منابع مستقل و مستقیم حقوق بین‌الملل تلقی شده است. این اصول، همان گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی درباره کنوانسیون منع نسل‌کشی بیان داشته، حتی بدون وجود تعهدات مبتنی بر معاهدات لازم‌الاجرا هستند.

بر پایه یک تحلیل، فهرست حقوق و آزادی‌های مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر را می‌توان فهرست اصول کلی حقوق مورد قبول ملت‌های متمدن جهان در حوزه حقوق بشر به شمار آورد. گمان می‌رود در این فهرست، تنها عنصری که می‌تواند به پدیده شبیه‌سازی انسان ارتباط منطقی و موضوعی پیدا کند، حق حیات (مندرج در ماده ۳ اعلامیه) باشد. با این تحلیل، شبیه‌سازی (آزمایشی) انسان از دیدگاه مخالفان، نقض اصل کلی حقوقی حق بر حیات را - به عنوان یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل - به ذهن متبادر می‌کند. اما در مورد شبیه‌سازی درمانی، نکته ویژه‌ای در اعلامیه جلب توجه نمی‌کند.

شبیه‌سازی از مباحث مطرح در حوزه اخلاق زیستی است. اخلاق زیستی عبارت از مطالعه سیستماتیک ابعاد اخلاقی - از جمله بینش‌ها، تصمیمات، رفتارها و تدابیر اخلاقی - علوم زیستی و مراقبت بهداشتی، با استفاده از متدولوژی‌های اخلاقی در یک چهارچوب میان رشته‌ای است.

با مطالعه بر روی اسناد و متون حوزه اختصاصی اخلاق زیستی برخی از اصول را می‌توان به عنوان اصول بنیادین مطرح کرد. نخستین اصل که از آن به عنوان اصل «لاضرر» یاد می‌شود، بیانگر این مهم است که هیچ کس حق ندارد بدون توجیه اخلاقی، ضرری به دیگران وارد کند؛ لاضرر به ویژه در کنار اصل «برابری و منع تبعیض» تفسیر اخلاقی‌تر و حقوق بشری‌تر خواهد یافت. در خصوص شبیه‌سازی انسان، گمان می‌رود تنها گونه این پدیده که می‌تواند با اصل لاضرر در تراحم باشد شبیه‌سازی آزمایشی باشد که حیات شبیه ساخته را (بر فرض انسان تلقی شدن) نابود کرده و از این راه به او ضرر می‌رساند. اما در مورد سایر گونه‌های شبیه‌سازی باید با احتیاط سخن گفت.

دومین اصل بنیادین در حوزه اخلاق زیستی، اصل سودمندی است. تکالیف نهفته در این اصل در جلوگیری از ورود ضرر و شر به دیگران و حرکت در راستای ارتقا و توسعه خیر و نیکی به دیدگاه احتیاطی اسناد بین‌المللی نزدیک است. اما شبیه‌سازی درمانی در این حوزه با مخالفتی روبه‌رو نیست. سومین اصل بنیادین حوزه اخلاق زیستی، عبارت از اصل مشهور غایت بودن انسان و منع استفاده ابزاری از اوست. بر پایه این اصل، مجاز نخواهیم بود برای تأمین مقاصد پژوهشی خود در حوزه بیوتکنولوژی، افراد را در حد اشیاء و حتی حیوانات تنزل دهیم و بدون توجه به خواسته‌شان آنان را موضوع تحقیقات خود قرار دهیم. بدیهی‌ترین نتیجه این اصل در حوزه شبیه‌سازی را می‌توان منع شبیه‌سازی آزمایشی انسان در فرضی دانست که جنین انسان تلقی شود. اما در مورد سایر گونه‌های شبیه‌سازی به نظر نمی‌رسد نفس عمل شبیه‌سازی، نقض اصل بنیادین غایت بودن انسان و یا استفاده ابزاری از انسان باشد، گرچه پس از شبیه‌سازی ممکن است چنین مواردی را شاهد باشیم.

برتری شأن بشر بر تحقیقات علمی نیز از نتایج این اصل است. در نتیجه، همان‌گونه که کد نورنبرگ^۱ پیش‌بینی کرده است، پژوهشها باید به نحوی باشند که: منافی برای جامعه داشته و از هیچ طریق دیگر میسر نباشند، قبلاً بر حیوانات اعمال شده باشند، به گونه‌ای انجام شوند که از همه نوع درد و رنج جسمی یا روحی غیر ضروری پیشگیری شود، اگر احتمال مرگ یا نقص وجود

۱. نخستین واکنش جامعه جهانی در قبال انجام آزمایش‌های غیر اخلاقی و غیر انسانی نازی‌ها روی زندانی‌ها و اسرای جنگ جهانی دوم به صدور بیانیه نورنبرگ ۱۹۴۷ میلادی به محاکمه پزشکانی منجر شد که مرتکب چنین جنایاتی شده بودند. ضوابطی که به عنوان دستورالعمل‌های جهت قضاوت در دادگاه‌های محاکمه این افراد پیشنهاد شد کدهای اخلاقی نورنبرگ نامیده شدند (ناجی ۱۳۸۹: ۱۶).

داشته باشد از انجام آن پرهیز گردد، تدابیری جهت محافظت شخص در برابر صدمه، نقص عضو یا مرگ به عمل آید و چنانچه پژوهشگر مسئول در هر مرحله‌ای از تحقیقات بر این باور باشد که ادامه تحقیقات ممکن است منجر به صدمه، نقص عضو یا مرگ شخص تحت آزمایش گردد، باید آزمایش‌ها را متوقف نماید.

اصل معامله متقابل نیز یکی از اصول راهنمای اخلاق زیستی است. مفاد این اصل می‌گوید با دیگری چنان رفتار کن که مایلی با تو آنگونه رفتار کنند. اصل قانون جهان شمول و فراگیر کانت نیز چنین آموزه‌ای را در بر دارد. در حقیقت، اصل غایت بودن انسان، در پیوند با این اصل شکلی است که می‌تواند نظام هنجاری اخلاقی کانتی را سامان دهد. این اصل مؤید منع شبیه‌سازی آزمایشی انسان در فرضی است که شبیه، انسان تلقی شود. اما گمان نمی‌رود گونه‌های دیگر شبیه‌سازی با این اصل در تعارض باشند.

از دیگر اصول راهنما، اصل اهمیت نیت در قضاوت اخلاقی است. بر پایه این اصل، در عمل اخلاقی، انگیزه با انگیزه پیوند مستقیم دارد. این اصل، شاید بتواند تا حدی از ایرادهای وارد شده بر شبیه‌سازی انسان - که با هدف شناسایی و مهار بیماری‌های کشنده صورت می‌گیرد - بکاهد.

نظر حضرت امام خمینی^(س) در مسأله شبیه‌سازی

حضرت امام خمینی^(س) تحولی عظیم در پیش‌های فقهی حوزه‌های علمیه به وجود آوردند. ایشان از تغییرات مسائل که در بستر زمان و مکان جدید قرار داشت که بعضاً در مواردی، تغییر موضوع، حکم خاصی را نیز به دنبال داشت توانستند حرکت نوینی را در آرا و نظریات فقهی پدید آورند و معتقد بودند که اگر فقه سنتی تحت ضوابطی پیش رود، پویا و پاسخگوی تمام نیازهای جامعه خواهد بود. ایشان فهم و تطبیق دین بر زندگی انسان معاصر و در نظر داشتن نقش زمان و مکان در شیوه استنباط را یکی از لوازم اصلی و اساسی و واقع‌بینانه فقاقت دانسته و در این باره می‌فرمایند:

اما در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند، مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با

شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۸۹).

فقه یک علم واقعی است و علم واقعی از نظر امیرالمؤمنین علی^(ع) آن است که نتیجه آن در جهت سازندگی حیات مادی و معنوی انسان به کار آید. پس فقه زمانی یک علم واقعی است که در زندگی مردم در هر عصری حضور داشته باشد و برای هر رخدادی که در حیطه موضوعات فقهی ظهور می‌یابد، پاسخی در خور و متقن داشته باشد. هنر حضرت امام خمینی در این بود که نه مانند جمودگرایان و قشریان و سطحی‌نگران که از پاسخگویی در برابر حوادث واقعه سرباز می‌زنند، بودند و نه مانند متهوران و ناآگاهان که از راه‌های غیر مبتنی بر منابع معتبر شرعی، حکمی را بیان می‌کنند. خودشان درباره خصوصیات مجتهد می‌فرمایند:

یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوی و زهدی که در خور شأن مجتهد است. واقعاً مدیر و مدبر باشد... فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۸۹).

نمود این اندیشه حضرت امام^(س) را در فتاوی‌ایی که در مسائل پیوند اعضا، فروش اعضا، خرید و فروش خون، شطرنج و ... ابراز داشتند می‌توان به وضوح دید. در خصوص مسأله نوظهور شبیه‌سازی انسان نیز اگر ایشان در مقطع کنونی حضور داشتند به صراحت حکم به حرمت شبیه‌سازی انسان نمی‌دادند و شاید آن را در حیطه خانوادگی و بین زن و شوهر، در صورت ناباروری و در صورت تضمین مسائل پزشکی آن و لااقل داشتن ضریب اطمینانی نظیر آنچه در باروری طبیعی موجود است، و همچنین در صورتی که مقدمات آن موجب عمل حرامی نگردد، و نیز حل مسائل مطرح شده در باب هویت و نسب، پاسخ داده شود، تجویز می‌نمودند. زیرا به نظر می‌رسد در مسائل و احکام فقهی نیازی نیست که حکم به حرمت یا جواز مسأله‌ای به صورت مطلق صادر شود و شاید بتوان گفت که حضرت امام خمینی^(س) چنانچه در مباحث بالا اشاره شد، قائل به جواز این مسأله در مورد مذکور می‌شدند.

منابع

- اسلامی، سید حسن. (۱۳۸۵) «شبیه سازی از دیدگاه شیعه: بررسی چهاردیدگاه»، *فقه: کاوشی نو در فقه اسلامی*، شماره ۴۷.
- السان مصطفی و زینب کنعانی. (۱۳۸۳) «تلاقی اخلاق، حقوق و واقعیت در شبیه سازی انسان ضرورت تحلیل منطقی و ایجاد تعادل»، *اخلاق زیستی (بیواتیک)*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- الهی، محمدعلی. (۱۳۸۴/۶/۱۲). «تکامل و ژنتیک انسان»، *تشریح خراسان*.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام*، مجموعه آثار امام خمینی (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (چاپ و نشر عروج)، چاپ چهارم.
- تیموری، محمد. (۱۳۸۳) «بررسی منابع حقوق بشر بین الملل در مورد شبیه سازی درمانی انسان»، *اخلاق زیستی (بیواتیک)*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- جمعی از اندیشوران حوزه. (۱۳۸۵) «زوایای پیدا و پنهان شبیه سازی»، *فقه: کاوشی نو در فقه اسلامی*، شماره ۴۷.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۰) *روشهای نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق*، تهران: پژوهشکده ابن سینا، چاپ دوم.
- جناتی. (۱۳۸۵) «شبیه سازی»، *فقه: کاوشی نو در فقه اسلامی*، شماره ۴۶، ۱۳۶-۴۰.
- رحیمی، حبیب الله. (۱۳۸۳) «شبیه سازی درمانی، رویکردهای اخلاقی، فقهی و حقوقی»، *اخلاق زیستی (بیواتیک)*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- ریفکین، جرمی. (۱۳۸۳) «شبیه سازی یا خط تولید بشر؟»، *ماهنامه سیاحت عرب*، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، شماره ۱۶.
- زنجانی، عزالدین. (۱۳۸۵) «پرسش و پاسخ از محضر استاد عزالدین زنجانی»، *فقه: کاوشی نو در فقه اسلامی*، شماره ۴۶.
- گرجی، ابوالقاسم. «تنها تغییر فطرت توحیدی انسان مذموم است» برگرفته از سایت: www.jazirehdanesh.com
- مؤمن، محمد. (۱۳۸۵) «شبیه سازی»، *فقه: کاوشی نو در فقه اسلامی*، شماره ۴۶، ص ۱۳۶-۴۰.
- معرفت. (۱۳۸۵) «گفتگو با آیت الله معرفت»، *فقه: کاوشی نو در فقه اسلامی*، شماره ۴۶.
- منصور، جهانگیر. (۱۳۸۵) *قانون مدنی*، تهران: دیدار، چاپ سی و سوم.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۶) *اندیشه های حقوقی (۱): حقوق خانواده*. تهران: انتشارات مجد.
- ناجی، زهرا سادات. (۱۳۸۹) «از منشور حقوق بشر تا کدهای نورنبرگ» *تشریح سپیده*، شماره ۲۱۹.